



تحقیقات ادوارد وسترمارک  
ترجمه: علی اصغر فراسیون

## تاریخ ازدواج

تاریخ ازدواج متضمن تحقیقات علمی واجتماعی ادوارد وسترمارک استاد علم الاجتماع دانشگاه لندن است که بچندین زبان ترجمه شده و آداب و سنن و عادات و مقررات ملل و اقوام و ایلات و عشایر وحشی و متمدن را بررسی و نقل و توصیف کرده است که ما ترجمه فارسی آن را برای مطالعه خوانندگان گرامی به تدریج درج و توصیه میکنیم که قبل از مطالعه مجموع آن انتقاد و قضاوت فرمائید.



## انواع طرق ازدواج

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

ازدواج از طریق مبادله دختران، از طریق مبادله هدایا، بعنوان جبران خسارت ، بعنوان وسیله آشتی، بعنوان خون بها ، بعنوان رفع توهین و تحقیر، خدمت بجای صداق ..... ازدواج از راه خرید ، هدایای خاطر خواه



در بین مردم پست رضایت برای ازدواج در مقابل هیچ و پوچ خیلی بندرت داده میشود و در اغلب موارد يك نوع جبران خسارت بایستی بیدر یا سایر بستگان دختر نامزد شده تقدیم گردد و این جبران خسارت ممکن است از راه معاوضه دختر بدختر

یا بشکل انجام کار و خدمت و یا بوسیله واگذار کردن انواع دارائی ها و ثروت ها صورت گیرد .

در استرالیا مرد تقریباً هیچوقت زن نمیگیرد مگر زن برادرش را که فوت کرده باشد یا بشرطی که خواهرانش را و دخترانش را درازاء زنی که میگیرد بدهد . تصور می رود رسمی که زیاد شیوع دارد عوض کردن دختران است بوسیله والدینشان بعنوان همسر پسرانشان و در بعضی از قبائل خود جوانان موقع زن گرفتن خواهرانشان یا سایر بستگان اناث خود را در مقابل زنی که میگیرند میدهند و در قسمتی از استرالیا برای زن نفرت آور است بکسی شوهر کند که هیچ دختر یا زنی را در عوض او نداده باشد . در بعضی از جزائر عوض کردن خواهران طریقه معمولی زن گرفتن است و هر وقت دختری را بقبیله دیگر میدهند انتظار دارند که اولین دختر قابل ازدواج را از آن قبيله بگیرند .

در مناطق دیگر بعوض پرداخت بهای دختر يك دختر را گاهی بادیگری معاوضه میکنند اگر مردی دارای يك پسر و يك دختر باشد دخترش را بعوض زنی که برای پسرش میگیرد میدهد و کسیکه آن دختر را تحویل میگیرد هر کاریکه مایل باشد با او میکند یا او را بعنوان دختر خودش میپذیرد و یا او را بعقد خود در میآورد و يك برادر خواهرش را بعوض زنی که میگیرد میدهد و در صورت نداشتن خواهر یکی از دختر عموها یا دختر دایی های خود را خواهد داد حتی گاهی اتفاق می افتد که دختری را از یک نفر دوست و رفیق بطور عاریه قرض میکنند تا در عوض او بکزن بدهند رسم عوض کردن دختران برای ازدواج در بین طوائف بلوچستان و در ایالت کشمیر نیز زیاد شیوع دارد و اگر مردی دختری نداشته باشد که بعوض بدهد اگر بخواهد برای پسرش زن بگیرد با اشکالات زیادی مواجه خواهد شد، در بین یکی از طوائف بسیار قدیمی بنگال هم رسوم است که اگر مردی دارای يك پسر و يك دختر قابل ازدواج باشد و از لحاظ مالی نتواند برای پسرش زن بگیرد يك نفر واسطه را مأمور می کند در جستجوی خانواده ای باشد که

وضع مالی آنان نیز خوب نبوده و باین طریق موافقت نمایند دختر خود را بعقد پسر آن مرد در آورند و در عوض آن مرد هم دختر خویش را به پسر آن خانواده بدهد و در اینگونه موارد باید دختر کوچکتر از برادر خود باشد در عربستان قدیم دو پدر یا دو قیم دختران خود یا دخترانی را که تحت قیمومت آنان بودند عوض میکردند و در این صورت احتیاج بپرداخت مهریه نبوده .

از اینجا معلوم میشود که رسم مبادله دختران بیشتر جنبه اقتصادی دارد زیرا باین طریق از پرداخت بهای دختران معاف میشوند و در عین حال مبادله دختران يك طريقه عادی است برای انجام ازدواج و بسیاری از مردم بومی استرالیا آنقدر فقیر و بی چیز هستند که زن برای آنان يك دارائی پرارزشی است و موقع زن گرفتن چون هیچ چیز ندارند که بهای عروس را از آن ممر پرداخت کنند ناچار دختر خود را بعوض زنی که می گیرند میدهند و معاوضه زنان ممکن است روی این اصل باشد که بخواهند بدان وسیله روابط حسن نیت و دوستی بین دو جامعه برقرار سازند .

رسم دیگری وجود دارد که زن را شوهر میدهند نه بوسیله مبادله با دختر یا زن دیگر بلکه اگر قتلی اتفاق افتاده باشد شوهر دادن يك زن بمنظور رفع خسارت مربوط بجنایت یا بعنوان وسیله آشتی بین دو خانواده قاتل و مقتول خواهد بود و در ایران باستان هم زنان و دختران باکره را در صورت وقوع جنایت بعنوان خون بهاء میداده اند .

آنچه که از رسم معاوضه زنان بمنظور بدست آوردن همسر بیشتر شیوع دارد عبارت از این است که از داماد انجام کار و خدمت را میخواهند و بطور کلی در اینگونه موارد مرد باید برود بخانه همسر آینده اش و در آنجا مدتی اقامت نماید و مانند يك نوکر یا خدمتکار انجام وظیفه کند مدت خدمت مزبور در بین طوائف مختلفه فرق می نماید و حداقل آن یکسال بوده و گاهی ممکن است بدهه یا دوازده یا پانزده سال بطول انجامد و در تمام این مدت مرد مختار است که با دختر همخواه بشود یا نشود و نوکری مرد

ممکن است حتی بعد از عروسی با دختر تا موقع بدنیا آمدن يك بچه یا تا مدت طولانی تری ادامه پیدا کند .

خدمتگزاری و کار کردن برای بدست آوردن يك همسر از این جهت مرسوم شده که پدر دختر میخواهد بدان وسیله داماد آتیه خود را آزمایش کند که چگونه آدمی است و آیا کارش مورد پسند است یا خیر و داماد آتیه هنگامی که در منزل پدر زن خود نوکری میکند يك کارگر معمولی نیست زیرا آنچه از او توقع دارند مفید بودن کارهای او نیست بلکه او را تحت آزمایشهای شدید و دردناک و ضعیف کننده ای قرار میدهند بداماد تختخواب بد و کثیف و غذا های نامطبوع میدهند و او اجازه ندارد شبها دیر بر تختخواب برود، او را مجبور میسازند مسافت های زیادی را بدو که از حال برود و اگر کارگوسفند چرانی و چوپانی با او محول کنند شبها را باید تا صبح بیدار بماند در حالیکه پدر زن و برادر زن آتیه او بخوبی و خوشی استراحت میکنند خلاصه هنگام نوکری داماد آتیه میزان تحمل و طاقت و خوشخدمتی و مهارت او در شکار و غیرت و قناعتش را آزمایش میکنند و پدر دختر فقط وقتی با شوهر دادن دخترش موافقت مینماید که داماد آتیه او تمام این آزمایشها را تحمل کرده باشد و حتی گفته شده که در پاره ای از موارد داماد آتیه باید کارهای خطرناک هم انجام دهد و در جنگها و زد و خورد ها شرکت جوید و اگر داماد آتیه پس از پایان خدمت نوکری نتوانست رضایت پدر زن و اقوام و خویشان زن آتیه خود را بدست آورد حق ازدواج ندارد و پدر دختر مبلغ جزئی بابت کارهایی که انجام داده باو می دهد و او را از منزل خارج می کنند .

اغلب مبلغی که داماد آتیه برای بدست آوردن همسر پدر دختر میدهد میزان آن در نزد طوائف مختلفه فرق میکند و گاهی داماد هدایای جزئی از قبیل يك کارد یا تیشه پدر دختر عطا میکند و دختر را میگیرد و در بعضی جاها داماد آتیه برای بدست آوردن دختر دو حیوانی که شکار کرده پدر دختر میدهد و يك سگ هم بمادر دختر

و نزد مردم افریقا بابت بهای دختر معمولاً چهارپایان را میدهند اشخاص متوسطاگر بخواهند زن بگیرند ده الی دوازده رأس چهارپا پیدر دختر میدهند و رئیس قبیله باید پنجاه رأس حیوان اهلی یا بیشتر بدهد تا بتواند زن بگیرد و در بعضی جاها بهای دختر بشانزده ماده گاو و یکصد بز میرسد و گاهی هم دختر را در مقابل یک کت و یا یک جفت کفش میدهند نزد بعضی از قبائل رئیس طایفه باید سه یا چهار رأس ماده گاو بدهد تا بتواند زن بگیرد ولی یک نفر کشاورز معمولی برای زن گرفتن بیش از شش یا هفت رأس بز نمیدهد.

نزد بعضی از طوائف کشور کنگو یک مرد آزاد اگر بخواهد بایک دختر یا زن آزاد ازدواج کند باید پیدر دختر دو غلام ذکور و دو کنیز بدهد بابت بهای دختر نه پول قبول میکنند و نه سایر اشیاء ملکی را.

نزد بومیان هندوستان مبلغ بهای دختر در بین طوائف مختلفه فرق میکند و گاهی مشاهده شده که دو بیست روپیه بابت بهای یک زن میدهند.

در اندونزی بهای دختر را بصورت اشیاء قیمتی یا سکه های نقره میدهند و در بعضی جاها گوشواره طلا یا عاج بابت بهای دختر داده میشود.

در بین بعضی از طوائف بهای دختر را طبق آنچه که مرسوم است بطور مقطوع تعیین میکنند ولی غالباً بهای مزبور بر حسب اوضاع و کیفیات تغییر مینماید و مخصوصاً مقام و تمول خانواده های طرفین ازدواج در موضوع تعیین بهای دختر تأثیر دارد گاهی مشاهده شده که یک خانواده یک بهای ثابتی از مدت ها پیش برای کلیه دخترانش تعیین کرده است و در بسیاری از موارد بهای دختر بستگی دارد با اوصاف شخصی او از قبیل وجاهت و کاردانی و سایر خصال پسندیده و در نتیجه افریقا گاهی بهای دختر یکه و جاهت زیاد داشته باشد به ۲۵ الی ۴۰ لیره انگلیسی میرسد در صورتیکه پدر یک دختر زشت رو فقط با قبول سه بز اکتفا میکند و دخترش را میدهد.

آنچه که بابت بهای دختر میدهند اغلب پیدرش میرسد و گاهی هم باید آن را

بین اعضاء خانواده دختر تقسیم کنند و بعضی اوقات قسمتی از بهای دختر را بکلیه افراد قبیله دختر توزیع مینمایند در پاره‌ای از موارد بهای دختر یا قسمت عمده آن را بدائی‌اش میدهند برادران دختر نیز نقش عمده‌ای را در این قبیل معاملات بر عهده دارند و مثلا بهای دختر بستگی دارد به تعداد برادرانش که هر يك از آنان باید دواسب دریافت دارند و در بعضی جاها قسمت عمده بهای دختر نصیب برادر ارشد میگردد و بقیه مبلغ مزبور را بین والدین دختر و خواهرانش و برادرانش و عمو و دایی‌ها و عموزادگان و دایی زادگان و خاله و عمه و رؤسای قبیله تقسیم میکنند .

از طرف دیگر پرداخت بهای زن اقلا تا اندازه‌ای ممکن است بر عهده اشخاص دیگری غیر از داماد یا پدرش محول گردد و در بین بعضی قبائل اگر جوانی نتواند خودش بهای عروس را بپردازد بدائی‌اش مراجعه میکند که او را کمک نماید و در بعضی جاها برای تهیه بهای عروس اقوام داماد باومساعدت مالی میکنند و نزد بعضی اقوام هر وقت جوانی بخواهد زن بگیرد دوستان مجردش هر يك هدیه‌ای بعنوان کمک باومیدهند و در بین بعضی اقوام افریقای غربی مرسوم است که تعهد میکنند مبلغ بهای عروس را در ظرف يك یا دو سال پس از ازدواج بپردازند و در بعضی جاها مدت این قبیل پرداخت‌ها طولانی‌تر میباشد و در بین بعضی اقوام عروسی را با دادن بیست بزرگ‌گذار مینمایند و بقیه بهای زن را موقعیکه بچه ارشدشان بسن هشت یا ده سالگی برسد میپردازند و در بین بعضی قبائل کوهستانی هندوستان بدهی شوهر بابت بهای زن در تمام عمر مرد دامه دارد و گاهی مشاهده میشود که مردان برای قسمتی از بهای عروسی مربوط بامادر بزرگشان یا سایر اقوام انانث که هنوز پرداخت نشده مشغول مرافعه هستند اما همچنین ممکن است اتفاق بیافتد تا زمانیکه بهای کل عروس پرداخت نشده داماد بعنوان گروهی در دست اقوام و خویشان زنش گرفتار گردد و یا اینکه اقوام عروس این حق را برای خود حفظ میکنند که دختر را از داماد پس بگیرند و از قسمتی از بهای عروس که پرداخت نشده صرف نظر نمایند و در بعضی جاها تا زمانیکه بهای زن کاملا پرداخت نگردیده است

زن حق دارد بدون اینکه از شوهرش جدا شود نزد والدینش زندگی کند و مرد بهیچوجه حقی به بیچه های خود ندارد و نزد بعضی از مردم نه زن و نه بیچه هایش حق خروج از خانه پدری را ندارند مگر اینکه بهای زن کاملاً پرداخت شده باشد، نزد بعضی از اقوام آفریقای مرکزی اگر مردی آنقدر فقیر باشد که نتواند بهای خرید یک دختر را بپردازد ممکنست موافقت پدر دختر را بدست آورد مبنی بر اینکه بهای زن را با قسط خواهد پرداخت ولی بیچه هایی که در طول این مدت بدنیا می آیند متعلق به پدر زن خواهد بود داماد باید هر یک از بیچه هایش را با دادن یک ماده گاو باز خرید کند .

نزد بعضی از مردم وقتی که جشن عروسی بپایان میرسد داماد یک ماده گاو نر را بوالدین عروس هدیه میدهد و علاوه بهر یک از اقوام نزدیک عروس سه متر پارچه و یک سبد پر از برنج میبخشد و این هدایا را باید قبل از دنیا آمدن اولین بیچه بدهد زیرا در غیر این صورت بیچه باو تعلق نخواهد داشت و بتصرف پدرزن و مادر زن در خواهد آمد و نزد بعضی اقوام موقعی که زن برای اولین دفعه آبتن میشود شوهر باید یک بز بمادرزش بدهد و موقعی که بیچه بدنیا می آید باید یک ماده گاو پنچ بز ببخشد و در غیر این صورت زن از خانه او خارج شده و بمنزل پدرش میرود .

در بین این طوایف مختلفه آفریقا پرداخت بهای خرید دختر نه تنها بشوهر حق تصاحب و مالکیت زن و بیچه های خود را میدهد بلکه اگر زنش قبل از بیچه دار شدن فوت کند شوهر حق دارد بهای خرید دختر را که پرداخت نموده پس بگیرد یا بعوض آن زن عیال دیگری را که معمولا خواهر آن زن خواهد بود خواستار گردد و این طریقه در موقعی هم که زن نازا از آب در آید اجرا خواهد شد و یا اگر زن فوراً پس از عروسی آبتن نشود مرد میتواند پرداخت بهای او را قطع کند .

در جا هایی که پرداخت بهای خرید یک زن جزء رسوم معموله است برای دختر و خانواده اش بسیار شرم آور خواهد بود که او را در مقابل هیچ شوهر بدهند زیرا معنی این کار آنستکه دختر هیچ گونه ارزشی نداشته و دوستانی ندارد و خلاصه منفور



جامعه است و اگر زنی مفت و مجانی شوهر برود باو لقب «گر به پیر» میدهند زیرا بعقیده بعضی از مردم گربه تنها حیوانی است بدون ارزش بوده و قابل خرید و فروش نیست و اگر زنی بدون اینکه قیمت یا مهریه اش پرداخت شده باشد بامردی زندگی کند او را فاحشه میدانند و بچه هایش را حرامزاده و بی پدر محسوب میدارند اما زن هر چه بهای بیشتری بابت او پرداخت شده باشد مغرور تر خواهد بود هدایائی که موقع زن گرفتن میدهند روی این اصل است که والدین دختر میل ندارند دختر خود را در ازاا هیچ و بطور مفت شوهر بدهند و بعلاوه هر مرد مایل است برای بدست آوردن يك زن اقلا يك چیزی بدهد هدیه ای که داماد میبخشد بمنظور ابراز حسن نیت و مراعات احترام دختر است و ممکن است این هدیه برای اثبات لیاقت و استطاعت داماد باشد، جهت نگهداری زن و اداره کردن يك خانواده و ممکن است منظور هدیه محافظت زن از بدرفتاریهای شوهر و یا محافظت شوهر از بدرفتاریهای زن باشد و نزد بعضی اقوام پرداخت بهای دختر برای این منظور است که پدر مواظب رفتار و حرکات دخترش باشد زیرا اگر داماد بدلائلی از دختر جدا شود بهای خرید دختر را باید بداماد پس بدهند و اگر عقد زناشوئی پسر و دختر بعلت بدرفتاری پسر باطل گردد قیمتی که بابت دختر پرداخت شده به داماد مسترد نخواهد شد در بسیاری از موارد بهای دختر بعنوان جبران خسارت که دختر خود را از دست میدهند و یا بعنوان پاداش بابت مخارجی که برای بزرگ کردن دختر متحمل شده اند تلقی می نمایند و آنچه که بمادر دختر هدیه میشود بمنظور رفع خسارت از مادر است که دختر را بثمر رسانده و در حقیقت هدیه مزبور «شیر بها» میباشد.

انگیزه های پولدوستی ممکن است در این موضوع تأثیر داشته باشد چنانکه دختران را تربیت میکنند و بحراج میگذارند تا سنگین ترین بهارا از فروش آنان بدست بیاورند ولی مطالبه وجه بعنوان رفع خسارت در مقابل دادن دختر خواه وجه مزبور کم یا گزاف باشد دلیل بر این نمی شود که شوهر هرکاری را که دلش میخواهد

با دختر انجام دهد و باین جهت در بعضی از موارد والدین میتوانند قیمت دختر را بداماد مسترد داشته و دختر خود را پس بگیرند .

فرض چنین است که ازدواج بوسیله خرید در اصل ازدواج بوسیله بودن بوده و بعداً متوسل شده اند پرداخت وجهی بابت خسارت بطوریکه جلوی اقدامات انتقام - جویانه والدین را بگیرند و این پرداخت وجه رفع خسارت بتدریج بصورت بخشش هدایا درآمده است پرداخت وجه رفع خسارت بابت ازدواج بایک دختر یازن همیشه معنای خرید و فروش را ندارد زیرا گاهی والدین دختر هم بنوبه خود هدایائی بداماد می دهند .

منظور از مبادله هدایا بین خانواده های داماد و عروس ایجاد حسن تفاهم و صمیمیت بین آنان است .

هدیه متقابل که از طرف عروس داده میشود ممکن است بصورت جهیزیه باشد که از طرف پدر دختر یا اقوام او اهداء میگردد و بطور مستقیم یا غیر مستقیم بشوهر میرسد و رسم دادن جهیزیه بدختر نزد بسیاری از مردم غیر متمدن وجود دارد و این جهیزیه اغلب بصورت خوراکی ها و البسه و اسباب و اثاثیه خانه و سایر اشیاء است و گاهی نیز تعدادی از حیوانات اهلی را میدهند .

نزد بعضی از قبائل پدر دختر یک بز یا او میدهد و در بعضی جاها تعدادی ماده گاو که کمتر از شش رأس نخواهد بود میدهند نزد برخی از طوائف جهیزیه ای که دختر از پدرش میگیرد عبارتست از چند رأس گاو میش و همچنین چند عدد گردن بند و بازو بند و گوشواره .

ازدواج بوسیله پرداخت وجه رفع خسارت نه فقط نزد مردم غیر متمدن وجود دارد بلکه بین مردم متمدن نیز مشاهده میشود در چنین هدیه ای که پدر داماد میدهد مبلغش را بطور دقیق ضمن مذاکرات مربوط با ازدواج تعیین میکنند و در شرایط معمولی مبلغ آن ممکن است به بیست و پنج الی چهل دلار و یا یکصد و یا بیشتر برسد و مادامیکه

این مبلغ پرداخت نشده عروسی صورت نخواهد گرفت علاوه بر پول هدایای دیگری از قبیل کار دو قماش ابریشمی و برنج و میوه جات برای والدین یا قیمهای دختر می فرستند. در بین مردم فقیر اتفاق می افتد که والدین حقیقتاً يك دختر كوچك را میخرند و مانند دختر خودشان از او نگهداری میکنند و او را تربیت مینمایند تا موقع شوهر رفتنش برسد ضمناً برای کارهای منزل از او استفاده نموده و خود را از هزینه های عروسی خلاص می کنند در زاین ازدواج بوسیله فروش و ازدواج بوسیله بودن در زمانهای باستانی رواج داشته ولی بعد ها این رسوم بتدریج بصورت تصفیه شده ای در آمده است.

ازدواج بوسیله پرداخت وجه رفع خسارت در تمام شعب قوم های نژاد سمیک معمول بوده در بابل قدیم خواستگار ناچار بوده بیدر عیال آتیه خود بهای عروس را بپردازد یا هدیه ای بدهد و مبلغ آن بستگی داشته است بدرجه تمول طرفین ازدواج و از قانون هامورایی هم چنین مستفاد می شود که پرداخت بهای خرید دختر در قدیم مرسوم بوده و اگر زن قبل از اینکه بچه ای بدنیا بیاورد فوت میکرده مبلغ بهای خرید او را بشوهر مسترد میداشته اند و طبق رسم قوم بنی اسرائیل هم در قدیم بهای خریدن را که مهریه می گفتند میپرداختند .

اعراب قدیم بهای دختر یا مهریه را داماد بیدر یا قیم دختر ادا میکرده و این مهریه بعداً در قانون اسلام نیز تصریح گردیده و آن را با صداق که عبارتست از هدیه ای که داماد بعروس میدهد اشتباه میکنند و اگر چه در قرآن دستور داده شده که مهریه یا صداق باید بدختر تعلق بگیرد ولی در عمل همیشه این قانون مراعات نمی شود مثلاً در مناطق روستایی فلسطین پیمان ازدواج کاملاً صورت يك معامله خریداری را دارد و قسمت عمده بهای خرید دختر یا اقلاً نصف آن را بیدر دختر میپردازند و باین جهت روستائیان بیشتر میل دارند اولادشان دختر باشند در بعضی از مناطق مراکش پدر دختر تمام مبلغی را که باو پرداخته اند خرج جهیزیه دختر مینماید و در پاره ای از موارد مبلغی از آن وجه را برای خودش بر میدارد و نزد بسیاری از طوائف مرسوم است

که وجهی باعضاء دیگر خانواده دختر مخصوصاً برادر بزرگش که در صورت مرگ پدرش قیم دختر خواهد بود می‌پردازند و این وجدرا بعنوان «رشوه» میدهند که سایر بستگان دختر در مقام اعمال نفوذ نسبت پدیر دختر بر نیایند .

نزد بعضی از اقوام هندوستان مرسوم است که والدین دختر علاوه بر جواهراتی که باو داده شده مبلغی پول هم از داماد مطالبه میکنند و این عمل در واقع صورت «چانه زدن» را دارد و اگر تعداد خواستگاران دختر زیاد باشد اغلب اتفاق می‌افتد که دختر را به حراج می‌گذارند و او را بکسی میدهند که قیمت بیشتری بهای او را بپردازد .

ارسطو هم نوشته است که در یونان قدیم مردان همسران خود را خریداری میکردند .

یکی از مؤلفین میگوید کشاورزان روسی اولین قدمی که برای ازدواج بر میدارند عبارتست از يك تقاضا یا پیشنهاد آنهم چیزی جز يك معامله بازرگانی نیست باین معنی که پدر خواستگار معمولاً با اتفاق یکنفر دیگر از اقوام و خویشان میرود بملاقات والدین دختر و میگوید : «مايك خریدار داریم و شما هم يك چیز قابل استفاده دارید آیا ما یلید کالای خودتان را بفروش برسانید ؟» بعداً مذاکرات برای معامله شروع میشود و این چانه زدن‌ها تفاوتی با مذاکرات جهت فروش يك ماده گاو ندارد .

نزد اقوام قدیم سلت نیز معمول بوده که مبلغی بابت همسرشان میپرداختند در ایرلند بهای دختر عبارت بوده است از اشیاء مختلفه از قبیل جواهرات طلا و نقره یا مفرغ و البسه وزین و براق اسب و چهارپایان و خوک و اراضی یا خانه ها . در بعضی از موارد مشاهده شده که هر وقت هدیه‌ای عطا میشود طرف مقابل هم عوض آنرا میدهد و این عمل را انجام میدهند تا ازدواج بوسیله خریداری بصورت ملایمتری و شیرین تری درآید در چین والدین دختر یا قیمهای اوقفت قسمتی از هدایائی را که برای آنان میفرستند قبول میکنند و بقیه را پس میدهند وبعلاوه بعضی از اشیاء را هم در عوض هدایای مزبور جهت خواستگار ارسال میدارند معاوضه و مبادله هدایا موضوع يك بحث

طولانی در قانون کیفری قدیم بوده زیرا همینکه اشیاء و هدایای مربوط با ازدواج معاوضه و مبادله شد رشته اتحاد طرفین ازدواج بطور غیر قابل برگشت بهم خواهند پیوست . در چین هدایای مخصوصی جهت عروس میفرستند و پولیکه بوالدین دختر میدهند معمولاً بمصرف تهیه لباس و زینت آلات دختر میرسد در ژاپن شوهر آتید هدایائی برای زن آتیدش ارسال میدارد و این ارسال ارمغانها یکی از مهمترین قسمتهای مراسم جشن عروسی را تشکیل میدهد و هر وقت هدایا ارسال و مورد قبول واقع شده باشد پیمان ازدواج منعقد گردیده و هیچیک از طرفین نمی توانند قول خود را پس بگیرند .

تا با امروز این رسم که بموجب آن شوهر باید کابین و مهریه ای بزنش بدهد در آن واحد نزد یهودیان و مسلمانان وجود دارد و بمنظور حفظ منافع زن در صورت بیوه شدن یا طلاق گرفتن قانون یهود چنین میگوید که قبل از عروسی باید شوهر يك تعهد کتبی بزن بدهد که بموجب آن مشارالیها بتواند در صورت مرگ شوهر یا طلاق گرفتن قسمتی از اموال شوهر را تصرف کند و حداقل مبلغ این تعهد را در مورد ازدواج با دختر باکره دو بیست دینار نقره و در صورت عقد يك بیوه زن مبلغ یکصد دینار نقره تعیین کرده بودند .

مهریه یا صدیقی که طبق قانون اسلام بپدر دختر میدهند بموجب دستور قرآن بعداً بملکیت خود دختر در خواهد آمد و شریعت اسلام معتبر بودن ازدواج را موکول بنادان صدیق میداند راجع بمبلغ صدیق قانون حداکثری را معین نکرده بهر صورت چه سنی و چه شیعه نظر مساعدی نسبت بزاید بودن مبلغ صدیق ندارند .

در مراکش مبلغ صدیق بر حسب اوضاع و کیفیات تغییر میکند و نزد بعضی طوایف که زیاد پولدار نباشند مبلغ هفتاد دلار برای يك دختر باکره و سی الی چهل دلار برای يك بیوه زن میدهند و اگر والدین طرفین ازدواج متمول باشند مبلغ صدیق تا ششصد دلار هم میرسد .

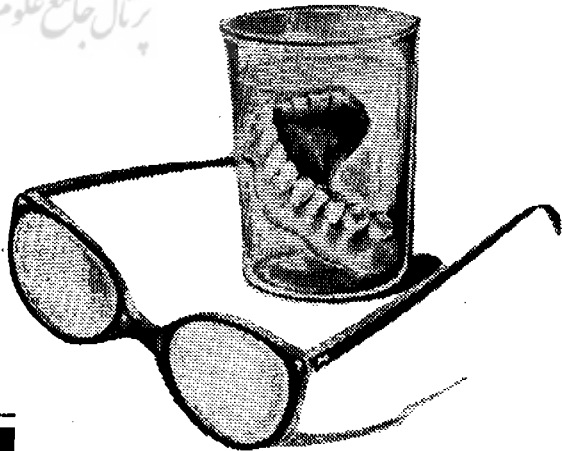
در قاهره باررگانان درجه يك مبلغ دو بیست الی سیصد دلار بابت صدیق میدهند

و بازرگانان درجه دوم مبلغ شصت الی هشتاد دلار و طبقات پست فقط مبلغ سه الی پنج دلار میدهند درمکه مبلغ مهریه ازدودلار الی چندصد دلار است در مدینه خانواده های محترم معمولاً چهارصد دلار میدهند و نزد اعراب بادیه نشین کوه سینا بهای دختر از پنج الی شش دلار است ولی اگر دختر خوشگل و خانواده دار باشد مبلغ آن گاهی به سی دلار میرسد .

لزومی ندارد که صداق همیشه بصورت پول باشد بلکه گاهی اثاث منزل و یا شتر و یا غلام و کنیز و سایر اشیاء را بعنوان صداق میدهند و تمام مبلغ آن را قبل از جاری شدن صیغه عقد نمیدهند بلکه قسمتی از آن را فوراً پرداخت کرده و بقیه را عندالمطالبه یا در ظرف مدتی که قبلاً تعیین گردیده یا هنگام طلاق یا مرگ یکی از طرفین ازدواج می پردازند .

در یونان قدیم پسر نه فقط به پدر دختر و جیبی میداده بلکه هدایائی هم بخود دختر میبخشیده و جیبی که پدر دریافت میداشته تمام یا قسمتی از آن را بحساب دخترش میگذاشته و میگویند داماد هدیه ای بعروس موقعیکه برای اولین دفعه نقاب از چهره اش برداشته میشده یا پس از شب زفاف میداده است .

اگر اینها اختراع نشده بود  
بعضی از افراد چیزهایی را  
میدیدند که نمی توانستند بخورند  
و برخی از اشخاص چیزهایی را  
میخوردند که نمی توانستند ببینند.



اگر افکار و تذکرات خالصانه نویسند  
آنطور که باید انعکاساتی در روح خواننده  
پدید آورد و او را به اندیشه وادارد آنچه میخواهم  
یافته ایم، و اگر بتوانیم خوانندگان را  
به لشکر در حقیقت اشیاء واداشته آمان را  
از تعلیل ساده و قیاح که منع کلیه خطای  
تاریخ است منصرف کنیم مستلماً توفیق  
حدیثی حاصل شده است.